

نقد و معرفی کتاب

نحو مرکزی: رویکردی کمینه‌گرا، دیوید اجر، انتشارات دانشگاه آکسفورد،
آکسفورد، ۲۰۰۳، ۴۲۴ صفحه.^۱

بدون تردید دیوید اجر^۲ استاد دانشگاه لندن چهره‌ای بلند آوازه در محافل زبان‌شناسی نبوده است؛ اما پس از قریب ده سال از دریافت مدرک دکتری خود از دانشگاه ادین بورو با تألیف اثر خود به نام "نحو مرکزی" (Core Syntax) در سال ۲۰۰۳، اینک در زمره شخصیت‌های نسبتاً شناخته شده محافل زبان‌شناسی قرار دارد. کتاب درسی وی - که دانشگاه آکسفورد آن را به چاپ رسانده است - به معرفی برنامه کمینگی چامسکی اختصاص یافته است. این کتاب در اندک زمانی جای خود را در میان کتب درسی دانشگاه‌های فراوانی در امریکای شمالی باز کرد. در این مقال در پی معرفی و نقد اجمالی این اثر هستیم.

این اثر شامل ده فصل در ۴۲۴ صفحه، در دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است. مؤلف در مقدمه اثر در باب وجه تسمیه این کتاب، اهمیت نظریه‌پردازی در تحلیل نحوی، بررسی ساخت‌های نحوی متنوع و مورد توجه نظریه‌های نحوی و اهمیت روش‌شناختی مطالعه صورت‌گرا و اتخاذ رویکردی اشتقاقی در مقابل رویکردی بازنمودی را خاطر نشان می‌سازد. رویکرد دوم مورد توجه زبان‌شناسانی از جمله ریتزی^۳ (۱۹۸۶)، برادی^۴ (۲۰۰۱)، (۱۹۹۳a، ۱۹۹۳b، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰)، و برزنان^۵ (۲۰۰۱) قرار گرفته است. بنا به نظر برادی چون زنجیره^۶ و حرکت^۷ موجد رابطه نحوی واحدی هستند، رویکردی که از هر دو ابزار بهره جوید مستلزم حشو خواهد بود. به گمان وی رویکرد چامسکی (۱۹۹۵) اسیر چنین حشوی است. لسنیک^۸ (۲۰۰۱) این مسئله را که شرطی از دستور زبان شرطی حاکم بر اشتقاق است و یا بازنمایی، مسئله چندان مهمی نمی‌داند. کالینز^۹ (۲۰۰۱) از جمله زبان‌شناسانی است که از رویکرد اشتقاقی در نحو پیروی می‌کند.

این اثر به زبانی ساده نگاشته شده و دربردارنده مفاهیم جدیدتر برنامه کمینگی همچون مفهوم مرحله^{۱۰} و تطابق^{۱۱} (چامسکی ۲۰۰۱) است و با معرفی فرافکن‌هایی همچون nP و vP در نمایش نحوی،

^۱ Core Syntax: A Minimalist Approach, David Adger, Oxford: Oxford University Press, 2003.

^۲ Adger

^۳ Rizzi

^۴ Brody

^۵ Bresnan

^۶ chain

^۷ move

^۸ Lasnik

^۹ Collins

^{۱۰} phase

^{۱۱} agree

فهم تحلیل‌های جدید عرضه شده در قالب برنامه کمینگی را تسهیل می‌کند. مباحث مطرح شده در این اثر گستره قابل توجهی از ساخت‌های نحوی را در بر می‌گیرد و تصویری کلی از برنامه کمینگی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. گذشته از جنبه‌های مثبت فراوان این اثر، به گمان این جانب چند کاستی محدود در این اثر به چشم می‌خورد: اول آنکه جای بحث مستقلی در مورد واژگان در این اثر خالی است. انگاره واژگانی برنامه کمینگی بدون تردید با انگاره‌های واژگان در صورت‌های پیشین دستور گشتاری چامسکی تفاوت‌هایی دارد که طرح آن در این اثر به غنای آن می‌افزود. اهمیت این بحث حتی بدون توجه به نظریه مهم صرف توزیع شده^۱ هله و مارانتز^۲ (۱۹۹۳) بر کسی پوشیده نیست. طرح این مسئله که آیا عناصر واژگانی به صورت تصریف شده خود از واژگان انتخاب می‌شوند و یا اینکه بخشی از بار تصریف واحدهای واژگانی را بخش نحو بر دوش می‌کشد، دورنمای روشن‌تری از نظریه کمینگی در اختیار خواننده قرار می‌داد؛ دوم آنکه، اگرچه اجر در فصول مختلف از آرا و تحلیل‌های زبان‌شناسان فراوانی بهره جسته، فقط در پایان هر فصل به آثار مورد استفاده اشاره نموده است. این مسئله مراجعه به آثار مذکور را اندکی دشوار می‌سازد؛ زیرا خواننده نمی‌داند تحلیل مفصل از ساخت نحوی مورد بحث اجر را در کدام یک از منابع مورد اشاره در پایان فصل جستجو کند. سرانجام آنکه، اجر به مسئله خطی شدن^۳ و ترتیب عناصر واژگانی اشاره‌ای نمی‌کند. جای مباحثی در مورد چگونگی اعمال ترتیب خطی بر عناصر واژگانی و طرح آرای کین^۴ (۱۹۹۴) در این خصوص در کتاب مورد بحث خالی است. با وجود این نباید از نظر دور داشت که این اثر، کتابی درسی و مقدماتی است که هدف آن آشنا ساختن مخاطبان با مبانی نظریه کمینگی است؛ لذا احتمالاً عدم طرح مباحث فوق و اجتناب از بحث‌های تخصصی، ناشی از سهل‌انگاری مؤلف آن نبوده است.

در فصل اول، اجر به تمایز میان گزاره، گفته یا پاره‌گفتار و جمله می‌پردازد. او جمله را ساختی انتزاعی و متعلق به ساحت زبان و گفته را تظاهر عینی آن معرفی می‌کند. به علاوه نشان می‌دهد که رابطه جمله و گزاره رابطه یک به یک نیست. وی در ادامه به تمایز میان غیردستوری بودن و غیرقابل قبول بودن جملات می‌پردازد و غیرقابل قبول بودن جملات از نظر اهل زبان را به غیردستوری بودن آن‌ها، دشواری در پردازش آن‌ها و عوامل کاربردشناختی و یا معنا شناختی نسبت می‌دهد. در ادامه، دانش ضمنی اهل زبان، تمایز میان دانش زبانی و غیرزبانی و جنبه زیست‌شناختی آن را در سایه فقر محرک مورد بحث قرار می‌دهد. در انتها نیز به ویژگی کلیت، صراحت، سادگی و ابطال‌پذیری نظریه زبان‌شناختی اشاره می‌کند.

در فصل دوم، مؤلف به بررسی مشخصه‌های صرفی- نحوی، معنایی و ... می‌پردازد و نشان می‌دهد که روابط و فرایندهای نحوی وابسته به مشخصه‌های صرفی- نحوی عناصر واژگانی است. وی انگیزه قایل شدن به مشخصه‌های خاصی در زبان را در حالت کلی تأثیر در روابط نحوی همچون تطابق و نیز ایجاد تمایز معنایی می‌داند. در این راستا، هر واژه متشکل از دسته‌ای از مشخصه‌ها در نظر گرفته می‌شود که برخی از آن‌ها، همچون مشخصه زمان در فعل، قابل تعبیر و برخی، همچون مشخصه حالت در اسم، غیرقابل تعبیرند.

¹ distributed morphology

² Halle & Marantz

³ linerization

⁴ Kayne

وی معتقد است که با استفاده از حضور مشخصه‌ها در موارد با قاعده می‌توان به قواعد تعاملی^۱ سطح واجی و معنایی دست یافت. در این فصل، مشخصه‌هایی همچون شخص، شمار، جنس و زمان معرفی می‌شود. نکته جالب در این فصل عرضه مثال‌هایی از زبان‌های مختلف است که نشان می‌دهد مشخصه واحدی همچون جنس می‌تواند همزمان هم مشخصه‌ای صرفی- نحوی تلقی شود و هم مشخصه‌ای معنایی که ارزش آن در این دو مورد با یکدیگر متفاوت است، به گونه‌ای که فرایندهای نحوی به مشخصه صرفی- نحوی آن دسترسی خواهند داشت و فرایندهای معنایی به مشخصه معنایی.

در فصل سوم، نویسنده در حمایت از ساخت سلسله مراتبی جمله به آزمون‌های سازه‌ای همچون جانشینی، حذف و جابه‌جایی اشاره می‌کند؛ اگرچه فقط تعداد اندکی از این آزمون‌ها را معرفی می‌کند. معرفی آزمون‌های سازه‌ای دیگر، همچون همپایگی، پس‌گذاری، همپایگی با سازه مشترک و ... می‌توانست دستمایه خوبی برای دانشجویان در تحلیل ساخت نحوی جمله باشد. به گفته وی، ساخت سلسله مراتبی جمله را به شکل کارآمدی می‌توان حاصل فرایند ترکیب یا ادغام^۲ در نظر گرفت. وی ویژگی این فرایند را ترکیب دو عنصر نحوی در گره ریشه آن‌ها معرفی کرده، به بررسی تعیین مقوله دستوری سازه حاصل و شرط گسترش^۳ حاکم بر آن می‌پردازد و با استفاده از ملاحظات عملی و نظری، هسته سازه حاصل را تعیین می‌کند. آنگاه انواع گزاره، نقش‌های معنایی، محدودیت‌های گزینشی و چارچوب زیرمقوله‌بندی گزاره‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد. وی چارچوب زیر مقوله‌بندی گزاره‌ها را در قالب مشخصه‌های غیرقابل تعبیر مقوله‌گزینی^۴ هسته نحوی تعریف می‌کند که با قرار گرفتن در رابطه خواهری با مقوله دیگری بازبینی^۵ و حذف می‌شود.

فصل چهارم کتاب به معرفی سطوح مختلف فراقکنی سازه‌های نحوی به عنوان حاصل فرایند بازبینی مشخصه‌های مقوله‌گزینی می‌پردازد. سپس به اهمیت مفهوم سازه‌فرمانی^۶ در تعیین مرجع ضمائر ارجاعی و توزیع عناصر قطبی منفی^۷ اشاره می‌شود. در ادامه بازبینی مشخصه‌های مقوله‌گزینی افعال سه ظرفیتی و طرح پوسته فعلی و جایگاه موضوع‌های فعل در درون گروه فعلی دو لایه مورد بحث قرار می‌گیرد. در انتها نیز تصویری کلی از برنامه کمینگی ارائه می‌شود.

در فصل پنجم، نویسنده با شواهدی نشان می‌دهد که مفهوم زمان بر روی هسته نقشی زمان (T) خارج از گروه فعلی کوچک (vP) وجود دارد که جایگاه شاخص آن محل فرود نهاد جمله خواهد بود. این هسته، محل ادغام افعال کمکی^۸ و نیز محل فرود افعال کمکی نمودی^۹ است و بار معنایی زمان جمله را بر دوش می‌کشد. وی در ادامه به رابطه این هسته نحوی و نمود صرفی زمان بر روی عناصر فعلی پرداخته و

¹ interface rules

² merge

³ extension

⁴ categorial/c-selectional feature

⁵ check

⁶ c-command

⁷ negative polarity items

⁸ modal

⁹ aspectual auxiliary

ضمن معرفی فرافکن‌های بیشینه نمود کامل^۱ و نمود مستمر^۲، فرایند تطابق را جهت ایجاد رابطه صرفی میان هسته‌های Perf، T و Prog و بازبینی مشخصه‌های Perf، T و Prog معرفی می‌کند. نویسنده در ادامه به تمایز مشخصه قوی و ضعیف پرداخته، عامل حرکت واحدهای نحوی را وجود مشخصه قوی بر روی سازه حرکت‌کننده و یا بر روی سازه دیگری می‌داند که نیازمند ورود به رابطه تطابق یا بازبینی با واحد نحوی نخست است. در خاتمه نیز فرایند درج (do)^۳ به عنوان چاره‌نهایی^۴ همراه فرضیه‌هایی چندی در مورد علت تظاهر صرفی مشخصه زمان بر روی این عنصر در فقدان فعل کمکی، اعم از نمودی یا غیرنمودی، مورد بحث قرار می‌گیرد.

در فصل ششم، نویسنده با استفاده از شواهد حاصل از شناورسازی سورها^۵ و پوچ‌واژه‌ها^۶ نشان می‌دهد که در گروه اسمی فاعل در جایگاه شاخص گروه اسم کوچک ادغام و به جایگاه شاخص گروه زمان جابه‌جا می‌شود تا مشخصه EPP هسته زمان و نه مشخصه حالت فاعلی را باز بینی کند. در تحلیل پیشنهادی، مطابق با رویکرد جدیدتر برنامه کمینگی مشخصه غیرقابل تعبیر حالت گروه اسمی فاعل توسط هسته زمان و مشخصه حالت مفعولی مفعول مستقیم توسط مشخصه متناظر هسته فعل کوچک (۷) بازبینی می‌شود. وی آنگاه به مسئله تطابق فاعل و فعل می‌پردازد و آن را از طریق ارزش‌گذاری^۷ مشخصه‌های شخص و شمار و جنس بر روی هسته زمان توسط فاعل و آنگاه قرار دادن آن مشخصه‌ها بر روی هسته فعل کوچک از رهگذر فرایند تطابق میان هسته زمان و هسته فعل کوچک تبیین می‌کند. همچنین نشان داده می‌شود که باز بینی مشخصه حالت و تطابق تابع شرط موضعی^۸ است. نویسنده سپس به ساخت‌های ناگذرا^۹ می‌پردازد و نشان می‌دهد که در صورت فقدان شاخص برای گروه فعلی کوچک، تنها گروه اسمی جمله تک‌ظرفیتی مفعول آن است که وارد رابطه بازبینی مشخصه‌ها با هسته زمان می‌شود. در پایان نیز به تمایز جایگاه قیود حالت و قیود جمله اشاره می‌شود و تنوع ترتیب کلمات میان زبان‌ها با توسل به قدرت و ضعف مشخصه تبیین می‌شود.

در فصل هفتم، نویسنده به معرفی فرافکن نقشی DP و nP می‌پردازد و می‌کوشد تا تقارنی میان DP و TP از یکسو و nP و vP از سوی دیگر برقرار کند. پس از معرفی مقوله تعریف (D)، انواع آن و سهم آن در تعیین معنای گروه اسمی به موارد وجود هسته تعریف تهی در ساختمان گروه تعریف می‌پردازد. وی در ادامه به اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش اشاره کرده، امکان وجود هسته تعریف تهی با اسم قابل شمارش جمع در زبان انگلیسی را تبیین می‌کند. آنگاه با قرار دادن فرافکن DP بر فراز nP - که دومی خود بر NP تسلط دارد - به نقش معنایی عناصر درون گروه تعریف می‌پردازد و به قیاس با گروه فعلی کوچک

¹ perf P

² prog P

³ do-support

⁴ last resort

⁵ quantifier floating

⁶ expletives

⁷ valuing

⁸ locality condition

⁹ unaccusative

(VP) و با توجه به فرضیه یکسانی اطلاق نقش‌های معنایی^۱ که آن را در فصل چهار معرفی و برای بررسی ساخت جملات دو مفعولی مورد استفاده قرار داده بود، موضوع‌های درون گروه‌های اسمی را نیز به شکل مشابهی در درون آن گروه توزیع کرده، برای تبیین ترتیب خطی عناصر درون گروه تعریف قایل به حرکت هسته N به n می‌شود. سپس با قایل شدن به وجود حالت ملکی قوی بر روی هسته گروه تعریف (D) انگیزه جابه‌جایی گروه DP دارای نقش معنایی کنشگر از جایگاه شاخص nP به جایگاه شاخص گروه تعریف را فراهم می‌سازد و عامل بازبینی حالت گروه تعریف دارای نقش معنایی کنش‌پذیر را حالت ضعیف موجود بر روی هسته N در نظر می‌گیرد. آنگاه به معرفی گروه ملکی^۲ پرداخته و ضمن اشاره به گروه‌های صفتی توصیف‌کننده اسم و قرار دادن آن در جایگاه اتصال به nP مسئله تنوع پارامتری میان زبان‌ها را در خصوص ترتیب عناصر گروه‌های نحوی موجود در گروه تعریف با توسل به قدرت و ضعف مشخصه‌های صرفی-نحوی عناصر مربوط تبیین می‌کند.

در فصل هشتم مؤلف به معرفی گروه نقشی متمم‌ساز (CP) و نقش آن در تعبیر و تفسیر جمله می‌پردازد. بدین منظور، وی مشخصه قابل تعبیر "نوع جمله"^۳ را به عنوان بخشی از ساختار مشخصه‌ای هسته متمم‌ساز معرفی می‌کند که ارزش آن یا "پرسشی" و یا "خبری" است. حرکت C به T در انگلیسی نیز با انگیزه بازبینی مشخصه غیرقابل تعبیر قوی "نوع جمله" بر روی هسته زمان در جملات پرسشی بله یا خیر صورت می‌گیرد. نویسنده وجود فرافکن متمم‌ساز را برای همه جملات پایه ضروری می‌داند و در مورد جملات پایه خبری معتقد است که هسته متمم‌ساز، فاقد جوهر آوایی است و ارزش مشخصه "نوع جمله" را بر روی هسته زمان به صورت ضعیف ارزش‌گذاری می‌کند. وی آنگاه با مقایسه فرضیه‌های گوناگون و عرضه شواهدی چند، فاعل‌های جمله‌ای را در جایگاه شاخص گروه متمم‌ساز ادغام می‌کند. سپس به بررسی جملات ناخودایستا اعم از ساخت‌های کنترلی، ساخت‌های موسوم به حالت نمایی استثنایی^۴ در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی و نیز جملات ناخودایستای دارای فاعل آشکار و متمم‌ساز for می‌پردازد. وی به پیروی از چامسکی و لسنیک (۱۹۹۳) قایل به وجود حالت صفر بر روی ضمیر مستتر^۵ در ساخت‌های کنترلی می‌شود؛ لیکن بر خلاف آن دو، هسته متمم‌ساز تهی را عامل بازبینی آن می‌داند. حالت فاعل آشکار در ساخت‌های حالت نمایی استثنایی توسط هسته^۶ جمله بالاتر و حالت فاعل آشکار جملات ناخودایستای دارای متمم‌ساز for توسط متمم‌ساز بازبینی می‌شود. در خاتمه نیز به مسئله V2 در زبان آلمانی می‌پردازد و به تنوعات پارامتری حرکت فعل به هسته زمان و یا حرکت مبتدا اشاره کرده است.

فصل نهم به بررسی ساختار جملات دارای عبارات استفهامی، ساخت درونی گروه‌های استفهامی و مشخصه استفهامی^۶ می‌پردازد. نویسنده سپس به جملات پژواکی می‌پردازد و عبارات استفهامی را در آن‌ها فاقد معنای متعارف پرسشی و مشخصه "Q" می‌داند. در این فصل، جملات استفهامی پایه، جملات

^۱ Uniformity of theta assignment hypothesis

^۲ possessor phrase

^۳ sentence type

^۴ ECM

^۵ PRO

^۶ wh-feature

استفهامی پیرو و عبارات استفهامی فاعلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنگاه وی از فرضیه حرکت چرخه‌ای عبارات استفهامی حمایت کرده، به مسئله برتری¹ در جملات دارای بیش از یک عبارت استفهامی می‌پردازد.

فصل دهم به بحث درباره شرط موضعی در تحلیل نحوی و معرفی مفهوم مرحله و تبیین ساخت‌های جزیره‌ای با استفاده از این مفهوم اختصاص دارد. نویسندگان با استفاده از شواهد بیشتری از شناورسازی سورها در گویش انگلیسی اولستر غربی و تطابق عنصر متمم‌ساز و نیز جابه‌جایی فاعل در اسپانیایی و ایتالیایی به حمایت بیش از پیش از حرکت چرخه‌ای عبارات استفهامی می‌پردازد.

علی درزی

منابع

- Bresnan, J.(2001). "Explaining Morphosyntactic Competition". in Baltin and Collins (eds.) *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*. Oxford: Blackwell Publisher, 11-44.
- Brody, M. (1993a). "θ theory and Arguments". *Linguistic Inquiry*. 24, 1-24.
- _____ (1993b). *Lexico-logical Form*. Cambridge, MA: MIT Press.
- _____ (1999). "Chains in Perfect Syntax". Paper presented at the GLOW workshop on "Technical Aspects of Movement". Potsdam, April 1999.
- _____ (2000). "Mirror Theory: Syntactic Representation in Perfect Syntax". *Linguistic Inquiry*. 31, 29-56.
- Chomsky, N. (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge, MA: MIT Press.
- _____ (2001). "Derivation by Phase". in Ken Hale: *A Life in Language*. M. Kenstowicz (ed) Cambridge, MA: MIT Press, 1-52.
- Chomsky, N & H. Lasnik. (1993). "The Theory of Principles and Parameters". in Noam Chomsky *The Minimalist Program*. MA: MIT Press, 13-127.
- Collins, C. (2001). "Economy Conditions in Syntax". in Baltin and (eds.) *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*. Oxford: Blackwell Publisher, 45-61.
- Halle, M & A. Marantz.(1993). "Distributed Morphology and the Pieces of Inflection". in K. Halle & S. J. Keyser (eds.) *The View From Building 20*. Cambridge, MA: MIT Press, 111-176.
- Kayne, R. (1994). *The Antisymmetry of Syntax*. Cambridge/ London: The MIT Press.
- Lasnik, H.(2001). "Derivation and Representation in Modern Transformational Syntax". in Baltin and Collins (eds.) *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*. Oxford: Blackwell Publisher, 62-88.
- Rizzi, L. (1986). "On Chain Formation". in Borer (ed.) *Syntax and Semantics*. vol.19. The Syntax of Pronominal Clitics, New York: Academic Press, 65-95.
- _____ (2001). "Relativized Minimality Effect". in Baltin and Collins (eds.) *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*. Oxford: Blackwell Publisher, 89-110.

¹ superiority